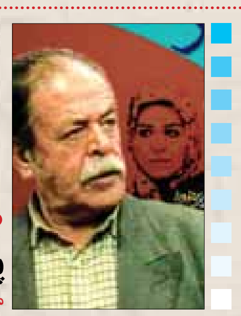

پدر سالار
محمدعلی کشاورز

«پدرسالار» با بازی استاد محمدعلی کشاورز بدون شک یکی از ماندگارترین کاراکترهایی اسـت که از یک پدر در ذهن اغلب خانواده‌هایی ایرانی به جا مانده است؛ سریالی که بخوبی مناسبات ارتباطی یک خانواده سـنتی ایرانی را نشـان می‌داد و در زمان پخش خود طیف گسترده‌ای از مخاطبان را درگیر سرنوشت این قصه و کاراکترهای خود کرده بود. داستان این مجموعه در ارتباط با پدر میانسـالی به نام «اسدالله» است که دوست دارد پسرانش پـس از ازدواج در خانـه بـزرگ او زندگی کننـد ولی مخالفت کوچک‌ترین عروس او با این شرایط و تمایلش به داشتن زندگی مستقل، اوضاع این خانواده را به هم می‌ریزد.

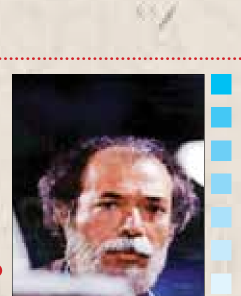

بوی پیراهن یوسف
علی نصیریان

علـی نصیریان از جمله بازیگرانی اسـت که بارها در سـینما و تلویزیون در قامت یک پدر ظاهر شـده اسـت و هـر کدام به نوعی در ذهن مخاطبان باقی مانده اسـت اما یکـی از به یاد ماندنی‌ترین نقش‌آفرینی‌های این استاد بازیگری حضور او در نقش پدر یک شهید مفقودالاثر در فیلم سینمایی «بوی پیراهن یوسف» است. نصیریان در این فیلم یکی از بهترین بازی‌های خود را به نمایش گذاشـته است؛ پدری که در فقدان پسر مفقودالاثرش در جنگ تحمیلی تبدیل به مجنونی شـده که همه‌جا در جسـت‌وجوی لیلی خود است اما در نهایت به فرزندش نمی‌رسد. سریال «میوه ممنوعه» یکی دیگر از آثار درخشانی است که «نصیریان» در آن ایفاگر نقش یک پدر بوده است.

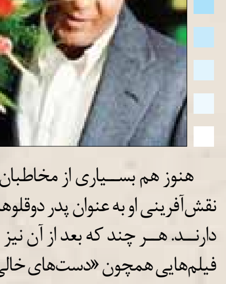

خانه سبز
خسرو شکیبایی

هنوز هم بسـیاری از مخاطبان، زنده‌یاد خسرو شکیبایی را با نقش‌آفرینی او به عنوان پدر دوقلوهای «خواهران غریب» در خاطر دارنـد. هـر چند که بعد از آن نیز چند بـار در قامت یک پدر در فیلم‌هایی همچون «دست‌های خالی» و «دل‌شکسته» ایفای نقش کرد ولی گل سرسـبد پدرانی که شکیبایی ایفاگر نقش آنها بود، کاراکتر «رضا صباحی» در سریال تلویزیونی خانه سبز بود. داستان این مجموعه درباره ساکنان یک خانه است که همه با هم فامیل هستند و در کنار یکدیگر ماجراهای گوناگونی را تجربه می‌کنند. «خانه سـبز» در زمان نمایش خود به واسـطه طیف گسـترده مخاطبانش شهرت بسیاری را برای بازیگران این مجموعه رقم زد.

پدر
محمد کاسبی

«پـدر» با بازی محمد کاسـبی را می‌تـوان متفاوت‌ترین پدر سینمای ایران دانست. فیلمی که در آن کاسبی در نقش یک ناپدری مهربان ظاهر شـده که برای راهنمایی و هدایت فرزند همسرش از هیچ کاری دریغ نمی‌کند تا آنجا که در نهایت می‌تواند محبت این پسـر را به خود جلب کند. البته کاسبی در کارنامه بازیگری خود چند بار دیگر نیز در نقش پدر حضور داشته که حضورش در سریال تلویزیونی پرمخاطب «خوش رکاب» یکی از بهترین آنهاست؛ پدری که ماشـینش را هم‌اندازه فرزندانش دوست دارد ولی حضورش در جبهه‌های جنگ تحمیلی او را بشدت دگرگون می‌کند و رابطه او با خانواده و فرزندانش را نیز تغییر می‌دهد.

سینمای ایران چه تصویری از پدران به نمایش گذاشته است؟

سلطه‌جو، بی‌مسؤولیت و غیرمنطقی!

احسان سالمی: بـرای تحلیل وضعیـت تصویر نمایش داده شـده از پدران در آثار تولید شـده در تاریخ سـینمای ایران بدون شـک نمی‌توان با ارائه یک گزاره کلـی در ارتباط با همه ابعاد این موضوع صحبت کرد؛ تصویری کـه در دهه‌های مختلف با تاثیر گرفتن از شرایط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه دستخوش تغییراتی اساسی شده اسـت و چه بسا که در برخی از دوره‌ها تصویر نمایش داده شـده از پدر ایرانی و ویژگی‌های آن بر پرده سـینماها با دوره پیش از خود تفاوت‌های بسیاری داشته است. البته که این اتفاق عملا در سـیر تاریخی جایگاه پدران در خانواده‌های ایرانی نیز به‌وقوع پیوسته اسـت و جایگاه پدر به مرور زمان دستخوش برخی تغییرات شـده است. با این همه آنچه نمی‌توان گسترش آن را طی این سال‌ها در سینمای ایران انکار کرد، تاثیر پذیرفتن سینماگران ایرانی از فضای فکری شبه‌روشنفکران در ارتباط با جایگاه و نقش پدر در خانواده است. نگاهی که به بهانه حمایت از حقوق زنان به نوعی در پی سرکوب جایگاه پدر در خانواده‌های ایرانی و تقویت دیدگاه‌های فمینیستی در این زمینه است. با توجه به اینکه تجزیه و تحلیل نقش و جایگاه پدران در همه آثار سینمای پس از انقلاب ایران، خارج از حوصله این گزارش است شاید بد نباشد با مرور این موضوع در آثار جشنواره فیلم فجر سال گذشته به عنوان مشتی نمونه خروار به بررسی این مسأله بپردازیم که سینمای ایران حداقل در یک سال گذشته تا چه اندازه توانسته تصویری واقعی و البته موثر از پدران را در آثار خود به نمایش بگذارد. در تقسیم‌بندی آثار جشنواره فجر سال گذشته که به نوعی به ترسیم جایگاه پدران در خانواده پرداخته‌اند، دسته اول را باید شامل آثاری دانست که به تصویر «غیرمنطقی» و «غیر قابل اعتماد» از پدران پرداخته‌اند؛ تصویری که یکی از نمونه‌هـای اعلای آن! در فیلم «امیر» که یکی از معدود فیلم اولی‌های جشـنواره سال گذشـته بود به نمایش گذاشته شد. پدری عیاش که از شدت بی‌توجهی به همسر و فرزندش، موجب فرار آنها از خانه و زندگی خود شده است. نمونه‌ای که با کمی تغییر در فیلم «کار کثیف» نیز به نمایش گذاشته شده است.

جاده قدیم

پدری بی‌مسؤولیت که برای گذران زندگی دست به فروش مشروبات الکلی می‌زند و در نهایت به‌قدری در فساد و تباهی فرو می‌رود که حتی همسـر و فرزندش هم رهایش می‌کنند. با این تفاسیر حتی می‌توان «چهارراه اسـتانبول» مصطفی کیایی را هم نمونـه‌ای از این پدرها دانسـت. کاراکتری که بهرام رادان ایفاگر نقش آن در این فیلم است، تصویری از یک پدر «مسؤولیت‌ناپذیر» است که بدون در نظر گرفتن شرایط ویژه همسـرش که در آستانه وضع حمل قرار دارد، دست به ماجراجویی‌ها خطرناک می‌زند و فشار روانی بالایی را به همسرش وارد می‌کند. اما گذشته از این پدران بی‌مسؤولیت، الگوی بشدت تکراری شده سینمای ایران در نمایش تصویر پدران، یعنی پدران «سلطه‌جو، زورگو و بی‌منطق» به روال چند سال گذشته در آثار جشنواره سال قبل نیز چند بار تکرار شد. اوج این موضوع را می‌شد در فیلم «جاده قدیم» ساخته منیژه حکمت دید. الگویی که البته با در نظر گرفتن روحیات فمینیستی کارگردان اثر، موضوع چندان عجیبی به نظر نمی‌رسید! «پرویز پورحسـینی» در این فیلم ایفاگر نقش یک پدر سـلطه‌جو و زورگو اسـت که بدون توجه به خواسته‌های مکرر پسرش و صرفا به واسطه تعصبات مذهبی می‌خواهد عروسش را وادار به کارهایی کند که دوست ندارد. «شعله‌ور» حمید نعمت‌الله و کاراکتر امین حیایی در این فیلم هم نمونه دیگری از این پدران بی‌منطق و سلطه‌جو است که اتفاقا معایب حضورش در کنار پسرش به مراتب بیشتر از محاسن آن است! «لاتاری» فیلمی بود که پای پدران «بی‌غیرت» را هم به جشنواره فجر باز کرد تا «علیرضا استادی» ایفاگر نقش پدر ورشکسته‌ای باشد که برای کسـب درآمد بیشتر راضی می‌شود دختر خود را به عنوان یک مدل راهی کشورهای عربی کند؛ موضوعی که در نهایت با مرگ دختر در غربت، تبدیل به یک فاجعه می‌شود. البته این روحیه مردستیزانه صرفا محدود به نمایش پدران بی‌مسـؤولیت یا سلطه‌جو و بی‌منطق نمی‌شـد، چرا که شـخصیت همسـران و برادران نیز در برخی آثار جشنواره با همین نگاه به تصویر کشیده شده بود. «مغزهای کوچک زنگ‌زده» هومن سیدی که اتفاقا در جشنواره سال گذشته مورد توجه برگزارکنندگان این رویداد قرار گرفته بود، یکی از نمونه‌های این نگاه بود. قصـه ۳ برادر و یک خواهر که ظن برادران به ارتباط نامشـروع خواهرشان باعث می‌شود برادر کوچک‌تر که پسری نوجوان است در پیش چشـم همه اعضای خانواده خواهرش را خفه کند! این تصویر غیرانسانی و منزجرکننده از مردان در یکی دیگر از آثار جشنواره فجر و البته به شکلی دیگر به نمایش درآمد؛ جایی که سهیل بیرقی با «عرق سـرد» تصویر مردی ریاکار و بشدت زورگو را پیش چشم مخاطبان خود ترسیم کرد که برای سلطه بر همسرش که عضو تیم‌ملی فوتسال زنان است از هیچ رفتار غیرانسانی و منزجرکننده‌ای فروگذار نمی‌کند. اما در میان فیلم‌های سال گذشته، معدود آثاری هم بودند که سعی کرده بودند در دام این بازی تکراری سینمای ایران در ارتباط با جایگاه و شخصیت مردان نیفتند. «به وقت شام» حاتمی‌کیا با وجود نمایش یک اختلاف به ظاهر عمیق در میان شـخصیت پدر و پسر قصه باز هم در نهایت، پدر قصه را در جایگاه یک قهرمان و الگویی مناسـب برای فرزندش قرار می‌دهد. در نهایت باید گفت هر چند که نمی‌توان با بررسـی چند فیلم لزوما به یک نتیجه قطعـی در ارتباط با کلیت سـینمای ایران رسید ولی به نظر می‌رسد این روحیه ضدمرد حاکم شده بر سینمای ایران طی چند سال گذشته صرفا محدود به جشنواره سی‌وششم فیلم فجر نباشد؛ معضلی که از مقایسه میان سینمای ایران و سینمای غرب و تصویر ارائه شده از مردان و پدران در هر کدام از آنها بیشتر خود را نمایان می‌کند. در شرایطی که جامعه آمریکا طبق آمار از لحاظ اجتماعی مردانی به مراتب خیانت‌کارتر و خشن‌تر دارد اما مردان بازنمایی شده در سینمای هالیوود یا ابرقهرمان‌هایی دوست‌داشتنی هسـتند یا حداقل مردانی خانواده‌دوست هستند که قهرمان خانواده خود به شمار می‌روند این در حالی است که مردان سینمای ایران با وجود خانواده‌محور بودن جامعه ایرانی، عموما شخصیت‌هایی عبوس و غیرمنطقی و زورگو هستند.

پرونده «وطن‌امروز» درباره ضرورت محوریت پدر در خانواده ایرانی
به بهانه پخش سریال پرمخاطب «پدر»

بازگشت به پدرسالاری

سـینما و تلویزیون در فرهنگ‌سازی جامعه و شکل‌دهی به ساختار اجتماعی از کوچک‌ترین واحد آن یعنی خانواده تا بزرگ‌ترین آن موثر است. دهه‌ها مسـیر حکومت در توسـعه تک‌بعدی با نسخه‌های غربی صرفا به «فردگرایی» و انزوای افراد در جامعه و بحران نقش‌ها در خانواده انجامیده است و در این مسیر سینما و تلویزیون هم بیش از آنکه کمک‌کننده دوام و قوام ساختار خانواده و تقویت نقش‌ها باشد در جهت تضعیف و از بین بردن آنها حرکت کرده است. در این بین بیش از همه نقش «پدر» به واسطه ساختار «پدرسالاری» گذشته ایران مورد هجمه قرار گرفته است و امروز بعد از چند دهه همه معتقدند رجوع دوباره و نیاز به تقویت نقش پدری برای ساماندهی خانواده که مهم‌ترین نهاد اجتماعی است احساس می‌شود. سریال پدر در این شب‌ها بیش از همه از این جنبه مورد استقبال است. پرونده حاضر به فیلم‌هایی که در آن نقش پدر موثر بوده می‌پردازد. علاوه بر آن نگاه جامعه‌شناسان به نیاز موثرتر شدن نقش پدر در خانواده را بازخوانی کرده و همچنین به بیان چند خاطره از پدران نمونه همین چند سال اخیر پرداخته است.

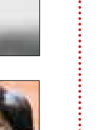

میکائیل دیانی: این شب‌ها شبکه ۲ سیما پرمخاطب‌ترین سـاعت کنداکتور صداوسـیما را به خود اختصاص داده است. سریال «پدر» که با یک ملودرام از جنس اسلامی آن آغاز شـد، حالا در این شـب‌ها که نیمه دوم سریال را می‌گذرانیم به داسـتان اصلی خود یعنی «نقش پدر برای حفظ خانواده» رسیده است؛ نقشی که «مهدی سلطانی سروستانی» آن را بـه بهترین نحو بازی می‌کنـد. او به دلیل فنوتیپ ظاهری، گرمی و گیرایی صدا و بازی درخشـانش در این سال‌ها، پدرهای زیاد و متفاوتی را در سریال‌ها تجربه کرده است که نزدیک‌ترین آنها برای مخاطبان «هاشم دماوندی» در «شهرزاد» و «حاج علی تهرانی» در «پدر» است. این نوشته اگرچه به بهانه پخش سریال پدر و استقبال پرشمار مخاطبان از آن است اما در حقیقت به بررسـی «نقش پدر در خانواده» و توجه دوباره به آن در نیمه پایانی دهه ۹۰ شمسی خواهد پرداخت. جامعه ایرانی در گذشته بیشتر «پدرسالار» بود و نقش محوری پدران در اداره خانواده، بایدها و نبایدهای عملی و نظری، تصمیم‌گیری‌ها، تامین منابع و تخصیص آنها بی‌همتا بود.

پدرسـالاری، نوعی نظام اجتماعی و نظام دودمانی است که در آن پدر یا مسـن‌ترین فرد ذکور طایفه، سرپرسـتی طایفه را بر عهده دارد که ریشه در تاریخ سیاسـی- اجتماعی ایران داشته و حتی ساختار سیاسی کشور نیز تا حدودی متاثر از آن بوده اسـت. نخستین شاخصه خانواده در نظام سنتی ایران، نظام پدرسالاری بود. در این نظام، خانواده از گستردگی خاصی برخوردار بود. منظور از گستردگی، زندگی مجموعه‌ای از چندین نسل در یک مکان بود که پدر و مادر، والدین پدر و مادر و فرزندان متاهل و مجرد را شامل می‌شد. در این خانواده، پدر در راس هرم قدرت قرار داشت اما به مرور از چند دهه قبل تلاش برای تغییر ساختار اجتماعی دیده می‌شود. تلاشی برای کنار گذاشتن ساخت سنتی خانواده و کمرنگ کردن نقش‌ها در آن بویژه کوچک و بی‌اثر کردن نقش پدر در جامعه‌ای که همواره «پدرسالار» بوده است. سینما و تلویزیون هم حتی به این تغییرات کمک کرد. به عنوان مثال سریال مشهور «پدرسالار» که مهر ابطال بر دوران «پدرسالاری» زد، یک شکلی از ساختار خانه و خانواده سنتی را به نمایش می‌گذاشت؛ خانه‌ای بزرگ کـه دور تا دور آن فرزندان در اتاق‌های مختلف زندگی می‌کردند و همه بر سـر سفره «اسـدالله‌خان» که نقش پدر را داشت جمع می‌شدند؛ شخصیتی که عموما کنشی منفی، زورگو و غیرمنطقی از خود نشان می‌داد که بعضی از فرزندان تابع محض بودند، بعضی در رودربایستی با پدر سکوت می‌کردند و نسل‌های کوچک‌تر جسارت مقابله با نظر و عمل پدر را هر چند در مسائل ریز و پیش پاافتاده نشان می‌دادند. در دهه‌های اخیر و به بهانه توسعه، جامعه ایرانی مسیر مدرنیزاسیون را طی کرده و می‌کند و در این مسیر مهم‌ترین محصول، ایجاد «فردگرایی» در جامعه است؛ فردگرایی‌ای که به انزوای افراد در خانواده و بی‌مرجعی جوانان و نوجوانان رسیده است. امروز مسـاله دهه هفتادی‌ها و دهه هشتادی‌ها جزو اساسی‌ترین مسائل پژوهشی دانشـکده‌های علوم اجتماعی است، از این حیث که تفاوت‌های بسـیاری با همسـالان خود در دهه‌های پیشـین دارند. امـروز «انزوا»، «بی‌هویتی»، «تصمیمات به دور از عقلانیت و مشـورت» و «بی‌تعلقی» را ویژگی‌های عمده افراد این نسل می‌دانند؛ نسلی که حتی حاضر نیست در قید و بند چارچوب‌های خانوادگی جدید باشد، چه رسد به تقید به خانواده سنتی! این تغییرات تا حدی است که دهه هشتادی‌ها را «فرزندان بازیگوش ایران!» می‌نامند. این درهم‌ریختگی که به‌صورت تشدید شده در نسل دهه هفتادی و دهه هشتادی وجود دارد و هیچ اثری از خانواده نمی‌گیرند البته در نسل‌های پایین‌تر نیز تاحدودی دیده می‌شود. فیلم «رگ خواب» که در لایه اول به نقد زندگی مدرن و تنهایی افراد می‌پردازد، در لایه دوم به همین مساله فرار جوانان از هدایت پدران و شکست آنها در تجربه‌های زندگی اشاره دارد. نقش پدر مینا- لیلا حاتمی - در این فیلم با وجود کوتاه بودن و اینکه در نهایت در ۲ یا ۳ صحنه کوتاه و با ذکر چند نریشن از سوی کاراکتر اصلی خلاصه شده است، در نتیجه‌گیری کلی اثر نقش بسزایی دارد، به شکلی که فیلم به مخاطب می‌گوید اگر مینا به توصیه پدر گوش داده بود و در کنار او و زیر سایه او بود، وضعیتش به مراتب بهتر می‌شد و مجبور به تحمل چندباره شکسـت در زندگی نبود. وضعیت جامعه ایران به گونه‌ای شـده است که عمده تحلیل‌گران معتقدند ما در یک بحران ساختاری درباره خانواده قرار گرفته‌ایم که نقش‌ها در آن کمرنگ شده و نیاز به رجوع عاقلانه و منطقی به گذشته را ضروری می‌دانند. آنها که امروز تجربه جامعه فروپاشیده غرب را جلوی چشمان خود دارند و خانواده‌های تک والد که عمدتا مادر تنهاست و همچنین همباشی‌هایی که نه زن و نه مرد در آن تعهد و تقیدی به یکدیگر ندارند، به نخبگان جامعه ما فهمانده اسـت که پیش از آنکه دیر شود باید کاری کرد. جامعه ایرانی امروز یک پدر به مثابه دیکتاتور در رأس خانواده را نمی‌خواهد اما بشـدت طالب پدری اسـت که نقش مرکزی، بزرگ‌تر و ملجأ تک‌تک اعضای خانواده را داشته باشد. ستونی که همه اعضای خانواده با شـنیدن نامش آرامش بگیرند نه اینکه بترسند و دچار دلهره شوند؛ در مناسبات درون زندگی افراد باشد؛ مرجعی که مشکلات، مسائل و راهکارها در مشورت و نظرخواهی با او به سرانجام برسد. این نیازی است که جامعه بشدت تشنه آن است و سریال «پدر» در رسانه ملی فارغ از سطح و طبقه اجتماعی «حاج علی تهرانی» از جمله ظهور و بروزهای نیاز جامعه است که استقبال از آن، موید این نیاز است. جامعه بازگشتی به خویشتن خود دارد و در باطن تلاش دارد ساختارهای منطقی و عقلانی خانواده را دوباره در خود حاکم کند، اگر چه شتاب مدرنیزاسیون و فردگرایی در آن بالاست و آدمی در این جامعه همواره در دوگانه انتخاب بین خانواده سنتی ایرانی یا توجه به ویژگی‌های زیست در جامعه مدرن، قرار دارد.

نگاه ۴ جامعه‌شناس به تحولات خانواده ایرانی در جامعه مدرن

زوال پدرسالاری؛ فوران فرزند و زن‌سالاری / دکتر محمدامین قانعی‌راد

مرحوم محمدامین قانعی‌راد از جمله جامعه‌شناسانی است که با کتاب «زوال پدرسالاری؛ فروپاشی خانواده یا ظهور خانواده مدنی؟» توجه شایانی به امر پدرسالاری و زوال آن در جامعه نشان داده است. او تعریف دقیقی از پدرسـالاری و تفاوت آن با مردسـالاری ارائه می‌دهد و معتقد اسـت ما در جامعه کنونی دچار زوال پدرسالاری شـده‌ایم. قانعی‌راد در این باره معتقد بود: «نظام پدرسـالاری یک نظام جنسیتی نیست و با مردسالاری متفاوت است. مردسالاری یک پدیده متأخر است و با جنسیت مرد در ارتباط است. نظام پدرسالاری در گذشته مشروعیت و مقبولیت داشت و پدرسالاری مورد احترام بود و نظامش هم سـتمگرانه نبود و مشـروعیت داشـت. بنابراین نظام خانواده طی تدبیر پدرسالار تداوم داشت و او تصمیم می‌گرفت چه کسی و چگونه ازدواج کند؟! او بـرای تحقق ازدواج جوان مصلحت‌های اقتصـادی را هم در نظر می‌گرفت و برای خانواده تازه‌تاسـیس امکاناتی در نظر می‌گرفت. همچنین پدرسـالار منابع اقتصادی و فرهنگی را در اختیار داشـت. پدرسـالاری از نظر فرهنگی مشروع بود و از حیث اقتصادی توانایی حمایت از خانواده را داشت. با تغییر و تحول‌های اجتماعی، نظام پدرسالاری دیگر قادر به کار کردن نیست، بنابراین نظام جایگزینی می‌خواهد که شـیوه‌های تصمیم‌گیری در خانـواده و روابط اعضای خانواده را بازتعریف کند. در واقع نظام پدرسالاری تصمیم‌گیری را برای خانواده تسهیل می‌کرد و صرفاً اینطور نبود که قطب تصمیم پدران باشند، بلکه مادران نیز نه‌تنها حامیان نظام پدرسالار بودند بلکه زمینه استمرار آن را فراهم می‌کردند و در حال حاضر هم مادرانی هستند که هنوز از پدرسالاری حمایت می‌کنند و در بعضی مواقع این مادران هسـتند که به نیابت از پدرسـالاری، اقتـدار را اعمال و خلأ پدر غایب را در چارچوب پدرسـالاری کامل می‌کنند. همزمان با زوال پدرسـالاری به طور خاص ۲ گروه در جامعه آزاد شـدند؛ یک گروه زنان بودند و دیگری نسل جوان و فرزندان. با زوال پدرسالاری، زن‌سالاری و فرزندسـالاری بروز پیدا می‌کند. در بخشـی از کتاب خود که به نام «فوران نوجوانی» اسـت به این موضوع اشـاره کردم که ما الان در جامعه شـاهد این هستیم که سن بلوغ فرهنگی به ۱۳ سال کاهش پیدا کرده و فرد ۱۳ ساله از یک هوشمندی و سوادی برخوردار است که نسل سالمند از آن بی‌بهره است. این در حالی بود که پدر در دوره گذشته اقتدار دانشی داشت و دانش متناسب با سـالمندی بود اما در نسـل جدید این تناسـب تغییر کرده و در بسیاری از موارد، سـالمندان در مقابل رویـش نوجوانی کم می‌آورند و با همین رویه هم درباره زنان مواجه هستیم».

بازگشت غول فردیت / دکتر باقر ساروخانی

دکتر باقر سـاروخانی از دیگر جامعه‌شناسـان معاصر، تحولات عصر جدید را تقلیل حیات خانواده به حیات فردی توصیف می‌کند و معتقد است: «هزاره سوم نوید طلوع دوران تازه‌ای در حوزه خانواده بود که با ریزش هرم قدرت، سقوط ارزش‌های کهن، تسخیر فضاهای اجتماعی توسط زنان، عناصر نوینی پدید آورد که شـامل ظهور فرهنگ تازه باروری، فرآیند تفردی شدن خانواده، فرآیند روزافزون ستاکی شدن خانواده، ظهور خانواده‌های دور زی، گرایش‌های نو در منطق‌سالاری نسبی، بروز عقلانیت جدید، تحرک‌پذیری در سطح جغرافیا، گرایش به تک همسری و... است. اما در عین حال این عوامل پیامدهایی از قبیل کاهش امید بقای خانواده، مشـکل سالمندی، مشکل تفردی شدن افراطی، عقلانیت افراطی، پادگانی شدن خانواده و کاهش ابعاد امتداد را به دنبال داشته است». دکتر ساروخانی معتقد است که فردیت به انسان‌های اولیه اختصاص داشته و بعد از پدید آمدن فرهنگ و زندگی جمعی، خانواده محوریت پیدا کرده اسـت. او همچنین معتقد اسـت: «در میان انسان‌های پراکنده‌ای که در کوهسارها زندگی می‌کردند، فردیت حاکم بود یعنی هر کسی تصمیم می‌گرفت با چه فردی ارتباط داشته باشد یا قطع رابطه کند اما از همان نخستین دوره‌های تشکیل جامعه، با گام‌های انسان به سوی جمع و تشکیل جامعه، موجود دیگری متولد شد به نام خانواده. فرهنگ آرام‌آرام به منازعه با فرد منجر شد و فردیت را هر روز مچاله، کوچک و ضعیف کرد تا جایی که ما دیدیم فرهنگ به عنوان قدرتی عظیم تجلی پیدا کرد. به عنوان نمونه بین ۲ قبیله جنگی اتفاق افتاده و جهت برقراری صلح فردی از اعضا یک قبیله به قبیله دیگر بدون نظرخواهی و انتخاب به عنوان «خون بس» تقدیم می‌شود؛ این همان هژمونی فرهنگی است. اما در دنیای مدرن با ظهور مجدد فردیت مواجه می‌شویم. دیگر اینگونه نیست که خانواده‌ها همسر انتخاب کنند. دیگر اینگونه نیست که فرد لزوما تعلق هویتی به خانواده یا قبیله داشته باشد. این ظهور مجدد فرد است. قبل از آن فرد در جامعه به عنوان یک فرد در خانواده ظهور پیدا می‌کرد اما در دنیای مدرن ظهور مجدد فرد، احیای مجدد فردیت را شاهدیم که افراط در آن مطلوب نیست. در نتیجه من استنباطم این است که خانواده‌ای تولید می‌شود که من آن را فردیت یافته و تفردی (individualized) می‌نامم. زمانی همه ساکنان خانواده زیر فرمان پدر و مطیع وی بودند، امروز خانواده در حال تبدیل به سراب است. هر کسی یک کلید آپارتمان و کلید اتاق دارد و شاید گاهی همدیگر را ببینند. در نتیجه با کاهش بعد مددکاری خانواده، شیرازه و انسجام خانواده نیز از بین خواهد رفت. سرمایه اجتماعی خانواده به غایت کاهش پیدا می‌کند و... هر چند هدف ما این نیست که به دوران قاجار برگردیم، به دورانی که فردیت نابود شده بود ولی هدف این هم نیست که فردیت چنان ارتقا پیدا کند که غول فردی ایجاد شود».

خانواده‌های بدون کانون / دکتر تقی آزاد ارمکی

تقی آزاد ارمکی در زمره جامعه‌شناسان خانواده است که نقش این نهاد را به موازات جامعه و دولت معرفی می‌کند. آزاد ارمکی که کتاب «جامعه‌شناسـی خانواده ایرانی» را نگاشته است، بیان می‌کند: «تغییرات خانواده در ایران در زندگی روزمره بازتاب یافته و روان‌شناسـان، علمای علوم تربیتی، تربیت خانواده، مورخان و جامعه‌شناسان نیز به آن توجه کرده‌اند که حاصل آن اصلاح نظام مفهومی در شناسایی تحولات اجتماعی ایران بوده است. در طول تاریخ می‌بینیم که هر تغییری در جامعه در خانواده ایرانی منشـأ دارد. بدین لحاظ خانواده نقشـی بسـیار اساسی در تحولات اجتماعی ایران بازی می‌کند. بنابراین شناخت خانواده ایرانی، گامی است در جهت شناخت جامعه». آزاد ارمکی بزرگ‌ترین معضل خانواده را به بحران معنایی این نهاد مرتبط می‌داند و معتقد اسـت: «بزرگ‌ترین معضل خانواده‌های ایرانی اختلال در سیسـتم معنایی خانواده است که منشأ بسیاری از مشـکلات مانند طلاق، کاهش نرخ ازدواج و خشـونت علیه زنان و فرزندان است و ریشـه آن هم به فرهنگ خانواده بر می‌گردد. متأسفانه در سال‌های اخیر اغلب خانواده‌ها دچار بی‌کانونی شـده‌اند و معلوم نیسـت چه کسانی با چه موقعیتی و با چه اهدافی تعیین‌کننده مسائل خانواده‌ها هستند و مسائل زیادی مانند تغییر بافت خانواده و دخالت نهادهای دیگر اجتماعی و شرایط بیرونی، خانواده‌ها را محل مناقشات، منازعات و چالش‌های خودشان قرار داده‌اند». وی تغییر ماهیت خانواده را در سـال‌های اخیر عمیق می‌داند و علت‌های گوناگونی را برای آن بر می‌شمرد: «جایگاه نهاد خانواده در ایران سابقه تاریخی دارد و در گذر زمان دگردیسی را طی کرده و امروز به اینجا رسـیده اسـت. خانواده امروز ایرانی با ۱۰ سال گذشته هیچ تناسبی ندارد و اگر اجداد ما در ۱۰۰ سال پیش زنده شوند، قطعاً هیچ سنخیت و تناسبی با خانواده‌های فعلی ندارند. خانواده امروزی دچار تغییرات و افت و خیزهایی شده که مشکلات زیادی را برایش به وجود آورده است ولی بیش از آنکه خانواده به طور طبیعی دچار تغییرات شود عوامل و نهادهای دیگری نیز منشأ این مشکلاتند. از جمله این عوامل می‌توان به تاثیرات سیاست‌های دولتی در روند طبیعی خانواده و همچنین مدرنیزاسیون اشاره کرد. دنیای مدرن موجب شده است تغییرات خاصی در اجتمـاع به وجود آید. به عنوان مثال، برابری‌خواهی زنان در زمینه اشـتغال و تحصیل یا تغییر در الگوی فرزندآوری و نحوه ازدواج در جامعه، با گذشته تفاوت‌های فاحشـی کرده است. البته لازم به ذکر است که در حال حاضر اتفاقاتی در جامعه روی می‌دهد که حاصل تغییر نیست و نگران‌کننده است، مانند آسیب‌های اجتماعی خانواده که به عنوان مثال گاه شـاهد هستیم فرزندی پدرش را می‌کشد یا پدری اعضـای خانواده‌اش را از بین می‌برد و همسرکشـی که همه اینها پدیده‌های غیر طبیعی است و این غیر طبیعی بودنش به دلیل فرآیند تغییر نیست، بلکه به نوع مداخله‌های نابجای سایر نهادهای اجتماعی در خانواده بر می‌گردد.

افول مردانگی و بحران جنسی / دکتر ابراهیم فیاض

دکتـر ابراهیم فیاض از جمله انسان‌شناسـانی اسـت که خانـواده را محور فرهنـگ می‌داند و هر پدیـده‌ای را در نسـبت با آن تحلیل می‌کند. وی معتقد اسـت حجاب یکی از عوامل نشـاط جنسی اسـت، از این رو معتقد است: «برخی گمان می‌کنند حجاب باعث کاهش میل جنسی می‌شود اما من می‌خواهم بگویم دقیقا بر عکس! اگر ما مکانیسـم ارضای غریزه جنسی را درون خانواده سـوق دهیم روابط جنسـی هم عمیق می‌شـود و اوج می‌گیرد و هم در جهت سلامت جامعه به کار برده می‌شود. اما اگر بخواهیم روابط صنعتی جنسـی ایجاد کنیم چه می‌شود؟ ایـن اصطلاح طنزآمیز از همین تفکر بیرون آمده اسـت که «برای یک لیوان شـیر هیچ عاقلی گاو نمی‌خرد» یعنی خانواده کاملا بی‌معنا شده است. ما در دوره‌های اصیل اسلامی بویژه صدر اسلام شاهد بحران اندکی در زمینه جنسی هستیم، راهکار بازگشت به آن دوره نیز این است که مردها تحت فشار نباشند و باز به جایگاه پیشین مرد در خانواده باز گردیم. بعد از این همه آزادی‌ها به آمار رجوع کنید: «بیش از ۹۰ درصد قتل‌های بین زن و شوهر، این زن‌ها هستند که به دلایلی مثل خیانت مرد را می‌کشند! با تاکید بر مردمحوری، جامعه خود به خود به سوی تقویت بنیان خانواده و سلامت جنسی پیش می‌رود. با افول مردانگی به معنای سنتی آن زن‌ها بی‌پناه و ناامن می‌شوند؛ یعنی غالبا مردهایی که به اصطلاح زن‌ذلیل شده‌اند نه از نظر اقتصادی پیشرفت می‌کنند و نه از نظر اجتماعی. چون اگر مرد بخواهد در رابطه خود خواهش بیش از حد کند و زن این را ابزار تهدید و تمرد قرار دهد، مرد تقید به خانواده را از دست می‌دهد و ناهنجاری‌هـای مختلفی از جمله اعتیاد و روآوری به زن دیگر و... رخ می‌دهد. حتی مردهایی که زن‌های خود را کتک می‌زنند هم بیشتر در مسائل جنسی مشکل دارند. البته این مطالعه بیشتر درباره جوامع غربی و کاتولیسیسم رخ داده که مردهایی که رابطه عمیق جنسی با همسر خود ندارند به مشروب‌خواری رو می‌آورند و پس از مسـت کردن همسر خود را کتک می‌زنند. این همان افول مردانگی اسـت». باید خانواده پررنگ‌تر شـود. اما باید دید خانواده با مرد بنا می‌شـود یا زن؟ برای پاسخ به این سوال باید دید طلب در ابتدا از جانب مرد است یا زن؟ طلب از جانب مرد است و باید نقش مرد همچون گذشته پررنگ شود اما متاسفانه در جوامع امروز با رنگ باختن مردها خانواده‌ها نیز تضعیف شـده‌اند. خانواده بر مبنای خواست مرد شـکل می‌گیرد و باید به همان روال برگشـت. باید مردانگـی را در جامعه به معنای واقعـی افزایش داد؛ غیرت به ناموس، تلاش برای زندگی و...

خاطره‌هایی خواندنی از چند پدر دوست داشتنی

پدر خوب

■ **بهشتی یک «پدر» بود**

بهشتی یک امت بود، سیاستمدار بزرگی که سخنرانی‌های علنی و آرمان‌هایش همراه بود با سیره عملی او در زندگی شخصی. رابطه شهید بهشتی با فرزندان و همسـر خود نمادی از انسان تراز انقلاب اسلامی بود که برای جامعه به اندازه خانواده دل می‌سوزاند و هرآنچه بر دیگران می‌پسندید بر فرزندان خود نیز روا داشت. فرزند شهید بهشتی از اتفاق جالب روزهای کودکی خود اینچنین یاد می‌کند: پول تو جیبی که پدرم به ما می‌دادند، فقط بابت خرید خوردنی و... نبود، بلکه به ما می‌گفتند: شما از همین پول، لوازم‌التحریر و دفتر مورد نیازتان را هم بخرید یا اگر می‌خواهید برای کسی هدیه بخرید، مقداری از این پول را جمع کنید و از این پول هدیه بخرید. به این ترتیب، با روش‌های ایشان ما چگونه خرج کردن پول‌مان را یاد می‌گرفتیم. اگر گاهی پول ما کفاف یک هدیه مثلاً روز مادر را نمی‌داد، به ما پولی قرض می‌داد تا فرهنگ قرض‌الحسنه هم در خانه رعایت شود. به همین ترتیب صندوق قرض‌الحسنه‌ای در منزل تهیه کرده بودیم و پول‌های‌مان را روی هم می‌گذاشتیم و به همدیگر قرض می‌دادیم و کار هم خیلی حسـاب و کتاب داشت. دفترچه‌های کوچکی برای پرداخت اقساط تهیه شده بود و کارهای آن به عهده من بود. کتابخانه ما هم در منزل حسـاب و کتاب داشت و کارت عضویت صادر می‌کردیم و کتاب‌هایی را که به امانت می‌دادیم، در دفتری ثبت می‌کردیم.

■ **آقا و آقازاده!**

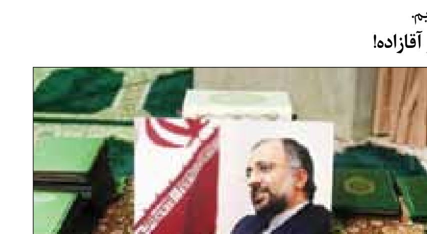

شهید محمدرحیم آقایی‌پور، سفیر ایران در اسلوونی بود و با وجود آنکه بستری مناسـب برای فراهم آوردن زندگی مرفه داشت، همواره ساده‌زیسـتی را در اولویـت خود قرار داده بود و مواجهه این سـفیر با اندیشـه‌های انقلابی‌اش در برابر فرزندان نوجوان خود جذابیت بالایی دارد. دختـر این شـهید در روایتی چهارگانه پـدر را اینگونه توصیف می‌کند: «۱- سـوار بنز شـده‌اید و برادر جان نشسته کنار شما. دارد با ذوق پسرانه‌اش همه امکانات ویژه ماشین را بررسی می‌کند. شما هم به همه سوال‌هایش با آرامش جواب می‌دهید و درست همان‌جایی که شـیفته شدن را در چشمانش می‌بینید یکباره می‌گویید: «ولی باورت می‌شـه؛ برای من هیچ ماشـینی راحتی RD قدیمی مون رو نداره». ۲- چند ماهی می‌شـد که از اسلوونی برگشته بودید. کتونی مارک‌دار برادر جان تنگش شده. مادر زنگ می‌زند به من که: «ما داریم می‌ریم خرید! نگران نشوی.» دیر می‌کنند. زنگ می‌زنم به مادر که: «کجایید؟ مگر نرفته‌اید فلان مغازه؟» مادر جدی و قاطع می‌گوید: «نه! رفته بودیم کفش ملی! بابا گفتند کفش‌های اونجا هم خیلی خوبه». ۳- چند ماهی می‌شـد که از اسلوونی برگشته بودید. برادرجان با ذوق و شوق می‌آید خانه. شما را محکم بغل می‌کند. شـما آرام می‌زنی روی شانه‌اش که: «چـه خبرا داداش حسـین؟» صدایش پر از ذوق می‌شـود: «یه خبر خیییییلی خوب! ثبت‌نام کردم برای اردوی جهادی». لبخند عمیقت تا چشم‌هایت می‌رسد: «احسنت!» ۴- این روزها برادر جان‌مان دانشجو شده. تولدش نزدیک است و موبایلش نفس‌های آخر را می‌کشد. با هم گپ می‌زنیم. می‌خندیم... لابه‌لای حرف‌های‌مان می‌گویم: «باید برایت کادو یه گوشی خوب بخریم! فلان مدل چطوره داداشی جان؟» نه چهره و صدایش... که حالا لحن حرف زدنش با شما مو نمی‌زند وقتی می‌گوید «نه خواهر جان!... فقط یه گوشـی ایرانی... شـبیه گوشی بابانفسی». پ.ن: ساده‌زیسـت بودن یک سفیر در زندگی شخصی‌اش لازم است و ارزشمند... اما انتقال آن به خانواده‌اش شاید ارزشی بزرگ».

■ **پدر سالار!**

طیب حاج‌رضایی مشـهور به «حر انقلاب» از باستانی‌کاران دوران پهلوی بود که بعد از کودتای ۲۸ مرداد زندگی خود را به کلی دگرگون کرد و برخلاف گذشته به یکی از انقلابیون مخالف شاه تبدیل شد. زور بازوی او و منش پهلوانی‌اش به قاعده باید از او شـخصیتی سـترگ و سخت و نامنعطف می‌ساخت. بیژن حاج‌رضایی، فرزند طیب از زندگی او اینچنین می‌گوید: «من تا ۱۱ سالگی با پدرم بودم، آن موقع‌ها رسم بر این بود که پدر هر جا که می‌رفت، پسر بزرگ‌تر را همراهش می‌برد. تمـام ایام ماه مبارک رمضان در طول تمام این سـال‌ها موقع افطار با مرحوم پدرم بودم و در تکایایی که دعوت می‌شـدیم، می‌نشستم. آن موقع وقتی حسینیه را می‌بستیم، عده‌ای می‌آمدند و بازدیدی داشتند که بعد ما باید می‌رفتیم و تکیه آنها را بازدید می‌کردیم. مادرم همیشه به پدرم می‌گفت: «آمدن تو با خودت است و رفتنت با خداست. تو از این خانه که رفتی، معلوم نیست که اصلا بازمی‌گردی یا برنمی‌گردی. اجازه بده که من بچه‌ها را طوری تربیت کنم که اینها بتوانند در زندگی دوام بیاورند». پدرم هم بنده خدا دخالتی نمی‌کرد ولی در طول این ۱۱ سال، ما حتی یک «اخم» یا «بنشین» از پدرم ندیدیم، در عین اینکه بسیار از او حساب می‌بردیم. آن موقع‌ها پدرسالاری حاکم بود ولی با این حال به قدری مهربان، گرم و صمیمی بود که خدا می‌داند. خیلی از مشکلات و مسائل ما را به‌رغم اینکه مستقیم به او نمی‌گفتیم ولی برطرف می‌کرد. در مجموع من و برادرهایم ایشان را در حد پرستش دوست داشتیم.

ستایش
داریوش ارجمند

هر چند که داریوش ارجمند هنوز هم در خاطره بسـیاری از مخاطبـان ایرانی با نقش‌آفرینی منحصر به فردش در نقش «مالک‌اشتر» سریال امام علی(ع) شناخته می‌شود ولی کمتر کسـی اسـت که در این چند سال گذشـته نقش «حشمت فـردوس» در مجموعه تلویزیونی سـتایش و بازی فوق‌العاده داریوش ارجمند در این اثر را ندیده باشد. ارجمند در این سریال نقش پدری خشن و بداخلاق را بازی می‌کند که پس از فوت پسـرش تصمیم می‌گیرد با جدا کردن نوه‌هایش از مادرشان، خودش آنها را بزرگ کند ولی مخالفت عروسش با این موضوع اتفاقات متفاوتی را برای این خانواده پدید می‌آورد.

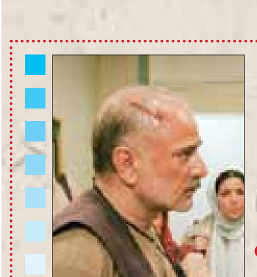

به نام پدر
پرویز پرستویی

نمی‌شـود درباره ماندگارترین پدران تاریخ سینما و تلویزیون ایران نوشت و اسمی از پرویز پرستویی نبرد. پرستویی با حضور در آثاری همچون مجموعه‌های تلویزیونی «زیر تیغ» و «آشپزباشی» خود را در قامت یک پدر مهربان و مرد خانواده نشان داده است اما اوج نقش‌آفرینی‌هـای او در این زمینه را باید مربوط به حضورش در فیلم سینمایی «به نام پدر» ساخته ابراهیم حاتمی‌کیا دانست. داستان این فیلم درباره ارتباط پدری بسیجی و از رزمندگان دوران دفاع‌مقدس و دختر جوانش است که مین‌های باقیمانده از دوران جنـگ مجروحش کرده اسـت. هر چند که این فیلـم جزو آثار متوسـط کارنامه کاری حاتمی‌کیا به شمار می‌رود ولی پرستویی بخوبی از عهده نقشی که به او سپرده شده برآمده است.

جراحت
امین تارخ

امین تاریـخ هم از آن دسـته بازیگرانی اسـت که اصولا نقش‌های پدرانه با شـمایل و ویژگی‌هـای ذاتی بازی او بویژه طی چند سال گذشته عجین شده است. او در سریال جراحت ساخته محمدمهدی عسگرپور با ایفای نقش «بزرگ» پدری عاقل و فهیم را به تصویر کشید. پدری که کمتر اشتباه می‌کند، کمتر عصبانی می‌شود و آدم زمان بحران‌ها و دشواری‌هاست. در واقع بزرگ نمادی از یک پدر مسؤولیت‌پذیر و دلسوز است که با وجود مشکلاتی که برای اعضای خانواده‌اش ایجاد می‌شود، تلاش کرده با زبان منطق و عقل و درایت پدرانه به آنها کمک کند و مخاطب در همه لحظات سریال و این موقعیت‌های گاه نفسگیر، دغدغه‌مند بودن و نگرانی این پدر را حس می‌کند.

نرگس
حسن پورشیرازی

نقش «شوکت» در سریال «نرگس» یکی دیگر از پدرهای بشدت خاص خلق شـده در آثار نمایشـی تلویزیون اسـت. پدری مقتدر و سـلطه‌جو، که می‌توان شـخصیت «حشـمت فردوس» در سریال سـتایش را به نوعی کپی آن دانست. بازی پورشیرازی در این نقش به قدری درخشان بود که در زمان نمایش سریال، نام «شوکت» گاه بر نام سـریال می‌چربید! اختلاف نسلی بین پدران و فرزندان یکی از آن شاخصه‌هایی است که معمولا در ترسیم چهره پدر ایرانی در آثار نمایشـی ایرانی استفاده زیادی از آن می‌شود؛ موضوعی که در هر دو نقش «شـوکت» و «حشمت فردوس» نیز وجود دارد؛ پدرانی مقتدر که دوست دارند فرزندان خود را در سیطره قدرت خود، مدیریت کنند.